

عدم شمول مرور زمان در جعل و تزویر

علیرضا مصلائی^۱

چکیده

جعل و تزویر از جرایم علیه آسایش عمومی است که اعتماد عمومی را نسبت به صحت اسناد، نوشته‌جات، اوراق بهادار و نظایر آن مخدوش می‌کند. جعل و تزویر در اکثر موارد موجب بردن مال غیر می‌شود؛ با این حال در زمره‌ی جرایم علیه اموال نیامده است و این امر نشان‌گر توجه قانون‌گذار به ابعاد غیرمالی جعل، به ویژه سلب اعتماد عمومی و ضررهای اجتماعی ناشی از آن است.

مرور زمان یکی از موانع دائمی تعقیب دعوای عمومی و از علل سقوط مجازات‌ها است. با حصول شرایط مرور زمان و انقضای مدت تعیین شده در قانون، دیگر جرم ارتكابی قابل تعقیب (مرور زمان تعقیب) و حکم مجازات، قابل اجرا نیست (مرور اجرای حکم). این مقاله درصدد اثبات عدم شمول مرور زمان در جرم جعل و تزویر و تبیین دلایل آن است.

واژگان کلیدی: جعل، تزویر، مرور زمان، مجازات تعزیری، مجازات بازدارنده.

۱. کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

درآمد

جعل^۱ در لغت به معنی ساختن، خلق کردن، قرار دادن و تقلب آمده است. تزویر^۲ نیز به معنای دروغ آراستن، فریب دادن و مکر و حيله است. این دو کلمه ظاهراً مترادفند و به نظر می‌رسد استعمال هر دوی آن‌ها در قانون، برای تاکید بر این مطلب است. اما جعل و تزویر دو جرم جداگانه و دارای عناصر مادی مستقل است. برخی تزویر را جعل معنوی یا مفادی دانسته‌اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۰: ۲۸۶) و قانون مجازات اسلامی نیز در ماده‌ی ۵۲۳ با استعمال فعل جمع،^۳ بر مستقل بودن این دو مفهوم از یکدیگر صحه گذاشته است.

جعل از نظر اصطلاحی، قلب متقلبانهای حقیقت به یکی از طرق مندرج در قانون است. جرم جعل مادی، به صورت فعل مثبت مادی، به سه شکل: ساختن، دست بردن و به کار بردن قابل تحقق است. ساختن، اعم از ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص است. دست بردن در سند، مخدوش کردن آن است که به یکی از طرق مندرج در ماده‌ی ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی: خراشیدن، تراشیدن، محو کردن قسمتی از نوشته، سیاه کردن، قلم بردن، الصاق متقلبانهای سند به سند دیگر، الحاق عبارتی به نوشته، تقدیم یا تأخر تاریخ سند و اثبات در نوشته، قابل تحقق می‌باشد. به کار بردن مهر دیگری بدون اجازه‌ی صاحب آن، صورت سوم عنصر مادی جعل است.

ویژگی فعل، متقلبانه و خلاف واقع بودن آن یا توأم شدن فعل با قصد تقلب است. در جعل مادی، موضوع عمل اصولاً نوشته و استثنائاً شیء (مهر، منگنه، علامت و تمبر) است. نتیجه‌ی جرم جعل، تحقق ضرر یا امکان ورود آن است که می‌تواند ضرر مادی یا معنوی باشد، اما انتفاع مجرم شرط نمی‌باشد. هم‌چنین بین فعل مرتکب و نتیجه باید رابطه‌ی علیت برقرار باشد.

تزویر، در اصطلاح، تغییر حقیقت از حیث معنا و مفهوم است، بدین توضیح که واقعیت، ابتدا در ذهن جاعل، دگرگون می‌شود و سپس به صورت غیرواقعی بر

1. Forgery.

2. Falsify-mental forgery.

۳. «جعل و تزویر عبارتند از ...»

روی کاغذ می‌آید؛ بدون آن که در ظاهر عبارات و کلمات سند تغییر و تحریفی رخ دهد. به همین جهت، تزویر را جعل معنوی یا مفادی نیز می‌گویند؛ در تزویر، تظاهر خارجی فکر مرتکب به صورت فعل می‌باشد؛ اگرچه در موارد معدودی با ترک فعل نیز قابل تحقق است و آن زمانی است که ترک فعل نمایان‌گر تحریف حقیقت باشد؛ مانند ایم که سردفتری عالماً و عامداً نام یکی از موصی‌لهم را در وصیت‌نامه وارد نکند. مرور زمان نیز یکی از موانع دائمی تعقیب دعوی عمومی و از علل سقوط مجازات‌ها است (آشوری، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸۰) و به گذشت مدت زمانی گویند که پس از انقضای آن، تعقیب دعوی عمومی یا اجرای مجازات امکان‌پذیر نیست (آخوندی، ۱۳۸۴، ج ۵: ۲۹۱).

مطابق ماده‌ی ۱۷۳، مجازاتی مشمول مرور زمان قرار می‌گیرد که از نوع بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد. در این تحقیق جرم جعل و تزویر را از حیث قرار گرفتن ذیل هر یک از این دو نوع مجازات تبیین کرده و دلایل خود مبنی بر عدم مرور زمان بر این جرایم ارائه می‌دهیم.

۱. تعزیری بودن مجازات جعل و تزویر

مطابق ماده‌ی ۱۶ قانون مجازات اسلامی، تعزیر، تأدیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار گردیده است؛ از قبیل حبس، جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کم‌تر باشد. مجازات بازدارنده نیز در ماده‌ی ۱۷ همین قانون، تأدیب یا عقوبتی شناخته شده که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد؛ از این تعاریف برمی‌آید که مجازات تعزیری مبنای شرعی دارد؛ در حالی که مجازات بازدارنده دارای مبنای حکومتی است. بنابراین واضح مجازات بازدارنده، حکومت؛ و واضح مجازات تعزیری، شرع می‌باشد. مجازات بازدارنده معادل تعزیرات حکومتی و اصطلاحی در مقابل تعزیرات شرعی است که در تبصره‌ی ماده‌ی ۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری^۱ تعریف

۱. «تعزیرات شرعی عبارت است از مجازاتی که در شرع مقدس اسلام برای ارتکاب فعل حرام یا ترک واجب بدون تعیین نوع و مقدار مجازات، مقرر گردیده و ترتیب آن به شرح مندرج در قانون مجازات اسلامی می‌باشد».

گردیده است. مجازات تعزیری نوعاً از مجازات بازدارنده شدیدتر است. این موضوع را از مقایسه‌ی مصادیق مذکور در مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مجازات اسلامی نیز می‌توان استنباط نمود.

فصل پنجم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، عنوان جعل و تزویر را به خود اختصاص داده که مواد ۵۲۳ الی ۵۲۴ را در بر می‌گیرد. مجازات‌های مندرج در این فصل نوعاً تعزیری است؛ نه بازدارنده و حتی در بعضی مواد، به صورت ضمنی بر تعزیری بودن مجازات جعل و تزویر تأکید شده است. مانند ماده‌ی ۵۴۰ که مجازات شلاق تا هفتاد و چهار ضربه را که تعزیری است، برای صدور تصدیق‌نامه‌های خلاف واقع (جعل معنوی) تعیین نموده است. هم‌چنین در ماده‌ی ۲ «قانون منع خرید و فروش کوپن کالاهای اساسی»، همین مجازات برای جعل کوپن تعیین شده است. در رویه‌ی قضایی، مستند قانونی دادگاه‌ها برای جرم معاونت در جعل و تزویر، ماده‌ی ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی^۱ می‌باشد. لذا رویه‌ی قضایی نیز جعل و تزویر را به عنوان جرم مشمول تعزیر پذیرفته است که به نحو تلویحی حاکی از تعزیری بودن مجازات جعل و تزویر است.

۲. ممنوعیت تحریف در قرآن کریم

تغییر حقیقت که جوهره‌ی جعل است، در آیات قرآن کریم به صورت مکرر و تحت عناوینی نظیر تبدیل حکم خدا به غیر،^۲ تحریف کلام خداوند^۳ و تبدیل وصیت بر خلاف حقیقت^۴ آمده است. قرآن کریم پس از تشویق افراد به وصیت کردن به نفع اقربا و خویشاوندان، عمل کسانی را که پس از شنیدن وصیت کسی، آن را به نحو تحریف شده‌ای منعکس می‌نمایند، تقبیح کرده است.^۵ این رفتارها شباهت زیادی به جعل معنوی یا مفادی دارد (میرمحمد صادقی، پیشین: ۲۴۱) چه آن‌که جعل معنوی، تغییر حقیقت در ذهن از حیث معنا و مفهوم است و این افراد پس از شنیدن

۱. «هر کس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شود».

۲. بقره: ۵۹.

۳. بقره: ۷۵.

۴. بقره: ۱۸۱.

۵. فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی الذین ببدلونه ان الله سمیع علیم.

حقیقت (وصیت واقعی) آن را در ذهن خود از حیث مفهوم و معنا تغییر می‌دهند و سپس به نحو تحریف شده، منعکس می‌نمایند.

۳. ممنوعیت تدلیس، تقلب و اکل مال باطل

جرم جعل به جرم کلاهبرداری بسیار نزدیک است؛ زیرا در هر دو، نوعی تحریف حقیقت و توسل به حيله و تقلب مشاهده می‌شود. کلمه‌ی تزویر، نشانگر حيله، تقلب و فریب است. افزون بر آن در بسیاری از موارد، جرم جعل در راستای تهیه‌ی مقدمات برای تحقق کلاهبرداری و بردن مال دیگری ارتکاب می‌یابد. در فقه اسلامی نیز می‌توان با استناد به عناوین کلی مثل «منع اکل مال باطل» یا «منع تدلیس و تقلب» که در قرآن کریم به کرات مورد اشاره قرار گرفته است،^۱ ارتکاب این عمل را ممنوع و موجب عقاب و تعزیر دانست (همان: ۲۴۰).

۴. وحدت ملاک از آراء وحدت رویه‌ی هیأت عمومی دیوان عالی کشور

آراء وحدت رویه‌ی هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره‌های ۶۷۷ به تاریخ ۱۳۸۴/۴/۱۴^۲ و ۶۹۶ به تاریخ ۱۳۸۵/۹/۱۴^۳ حاکی از عدم شمول مرور زمان در جرایم مشمول مجازات تعزیری است (گلدوست جویباری، ۱۳۸۷: ۵۸) و در موارد مشابه نظیر جعل و تزویر، به لحاظ وحدت در علت تامه‌ی رأی وحدت رویه (تعزیری بودن مجازات) قابل وحدت ملاک و تنقیح مناط می‌باشد. رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۶۷۷ رشوه را به لحاظ تعزیری بودن مجازات آن، از شمول مرور زمان خارج دانسته است. رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۶۹۶ نیز انتقال مال غیر را به لحاظ

۱. یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل.

۲. «واضع جرایم واجد مجازات‌های بازدارنده حکومت است... و اصل حکم پرداخت و دریافت رشوه را نیز شرع انور بیان فرموده‌اند... لذا رشوه از عداد مجازات‌های بازدارنده که از طرف حکومت تعریف می‌گردد، خارج و به حکم شرع دارای مجازات‌های تعزیری بوده و مشمول ماده‌ی ۱۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری نمی‌باشد...».

۳. «... نظر به این که قانون‌گذار انتقال مال غیر را با علم به این که مال غیر است، در حکم کلاهبرداری و مشمول مجازات آن دانسته و اقدام به این امر نیز ماهیتاً از مصادیق اکل مال به باطل به شمار می‌آید که به علاوه حرام محسوب گردیده، لذا به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، بزه انتقال مال غیر موضوعاً از شمول مقررات ماده‌ی ۱۷۳ قانون مرقوم خارج است...».

تعزیری بودن مجازات آن مشمول مرور زمان نمی‌داند.

۵. جرم‌انگاری جعل در موارد جدید

جرم جعل به لحاظ سلب اعتماد و آسایش عمومی، همواره مورد توجه قانون‌گذار بوده است. تصریح قانون‌گذار به قابل مجازات بودن جاعل در ماده‌ی ۸ قانون انتقال مال غیر مصوب ۱۳۰۸، ماده‌ی ۱۵ قانون ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران مصوب ۱۳۱۰، ماده‌ی ۱۰۰ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰، ماده‌ی ۱۱ قانون اصلاح قانون انحصار بازرگانی خارجی مصوب ۱۳۱۱، ماده‌ی ۲۸ قانون راجع به کارشناسی رسمی مصوب ۱۳۱۷، ماده‌ی ۸۹ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴، ماده‌ی ۵ قانون مربوط به مقررات پزشکی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۱۳۴۳ و بسیاری از مواد و قوانین دیگر، حاکی از حائز اهمیت بودن جعل و تزویر از منظر قانون‌گذار است که نتیجه‌ی عدم شمول مرور زمان بر این جرایم می‌باشد.

۶. غیرقابل گذشت بودن جعل و تزویر

در قانون مجازات اسلامی، اصل بر غیرقابل گذشت بودن جرایم است، مگر این‌که قانون‌گذار به صراحت جرمی را قابل گذشت اعلام نماید. جرایم قابل گذشت در ماده‌ی ۷۲۷ قانون مجازات اسلامی احصاء شده‌اند و جعل و تزویر جزء این موارد نمی‌باشند. این امر نیز نشان‌گر اهمیت جرایم جعل و تزویر، شدت مجازات و تعزیری بودن مجازات آن است؛ زیرا مجازات تعزیری نسبت به مجازات بازدارنده، نوعاً شدیدتر است و مشمول مرور زمان نمی‌شود. هم‌چنین مطابق ماده‌ی ۳۰ قانون مجازات اسلامی،^۱ حکم مجازات از بابت ارتکاب جعل و تزویر قابل تعلیق نیست و این حکم حاکی از اهمیت این جرایم می‌باشد. بررسی جرائم مذکور در بند ۲ ماده‌ی ۳۰ نشان می‌دهد که تمامی این جرایم، مشمول تعزیر می‌باشند و در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ به عنوان جرایم مشمول مجازات تعزیری آمده‌اند و مجازات تعزیری نیز مطابق ماده‌ی ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری از مقررات مرور زمان مستثنا است.

۱. «اجرای احکام جزایی زیر قابل تعلیق نیست... ۲- مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشاء یا کلاهبرداری یا جعل و یا استفاده از سند مجعول یا خیانت در امانت یا سرقتی که موجب حد نیست یا آدم‌ربایی محکوم می‌شوند...».

یافته‌های پژوهش

جعل و تزویر به لحاظ سلب اعتماد عمومی، از مهم‌ترین جرایم علیه آسایش عمومی محسوب می‌شوند که غیرقابل گذشت و غیرقابل تعلیق می‌باشند. مرور زمان در جرایم مشمول مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی قابل اعمال است و حدود، قصاص، دیات و مجازات تعزیری از شمول مرور زمان مستثنا می‌باشند. ممنوعیت تحریف (جعل معنوی) در قرآن کریم، ممنوعیت اکل مال به باطل و حرمت تدلیس و تقلب در شرع مقدس اسلام، غیرقابل گذشت و غیرقابل تعلیق بودن مجازات جعل و تزویر، جرم‌انگاری جعل در موارد جدید (جعل الکترونیکی) و اخذ وحدت ملاک از آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور از دلایل این استثناء است.

فهرست منابع

- ۱- آخوندی، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، جلد پنجم، تهران، میزان، ۱۳۸۱.
- ۲- آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، جلد نخست، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
- ۳- پیمانی، ضیاءالدین، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، تهران، میزان، چاپ چهارم، ۱۳۷۹.
- ۴- سلیمان پور، محمد، *جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر حقوق تطبیقی*، تهران، بی‌نا، ۱۳۴۱.
- ۵- گلدوست جویباری، رجب، *کلیات آیین دادرسی کیفری*، تهران، جنگل، چاپ نخست، ۱۳۸۶.
- ۶- میرمحمد صادقی، حسین، *جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی*، تهران، میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۰.